

آزادی قضایی از دیدگاه فقه‌های معاصر با تأکید بر فقه سیاسی

□ محمدحسن فصیحی *

چکیده

در این مقاله راجع به آزادی قضایی و اینکه آزادی قضایی در اسلام از چه جایگاه برخوردار بوده و چه نقش در زندگی فردی و اجتماعی انسان داشته و راهکارهای آزادی قضایی از دیدگاه فقه‌های کرام چیست به روش تحلیلی- توصیفی بحث شده و به عنوان یافته‌های تحقیق بدست آمده است که آزادی قضایی عبارت است از آزادی: ۱. قاضی، ۲. متهم، ۳. شاکی نسبت به رفتار و گفتار مربوط به امور قضایی‌شان، فقه‌های کرام نسبت به مسأله آزادی قضایی و تأمین استقلال قوه قضائیه توجه خاصی دارند به خاطر اینکه سعادت، سلامت و خوشبختی جامعه و برقراری امنیت، عدالت، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم، به استقلال قوه قضائیه و کیفیت اجرای آن بستگی دارد، در واقع توازن اجتماعی در جامعه به وسیله قضا و رسیدگی عادلانه به دعاوی مردم برقرار می‌شود. قضا و داوری رابطه مستقیمی با عدالت دارد اگر در یک جامعه رسیدگی به شکایات به صورت کامل و عادلانه انجام گیرد عدالت بر آن جامعه حکمفرما گردیده و مردم از لحاظ جان، مال و آبرو، امنیت پیدا می‌کنند بر عکس اگر در جامعه‌ای قضا و رسیدگی بر دعاوی مردم مورد توجه قرار نگیرد، عدالت از آن جامعه رخت برمی‌بندد و هرج و مرج و فساد آن جامعه را فرا گرفته و در نتیجه دولت موقعیت خود را از دست داده و رو به افل خواهد رفت.

کلیدواژه‌ها: آزادی، فقه، فقه سیاسی، قضا، معاصر، قاضی، متهم، شاکی.

* دانش آموخته سطح چهار جامعه المصطفی ع العالمیه.

مقدمه

بدون شک یکی از مسائل مهم که در هر جامعه مطرح است آزادی قضایی است، زیرا نقش قضا و رسیدگی به دادخواهی انسان‌ها در تمام جوامع بشری نقش بزرگ و موقعیت حساسی دارد، به گونه‌ای که سعادت و سلامت جامعه و برقراری امنیت، عدالت، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم، به استقلال قوه قضاییه و کیفیت اجرای آن بستگی دارد و به وسیله قضا و رسیدگی به دعاوی مردم توازن اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود. قضا و داوری رابطه مستقیمی با عدالت دارد اگر در یک جامعه رسیدگی به شکایات به صورت کامل انجام گیرد عدالت بر آن جامعه حکمفرما می‌گردد و مردم از لحاظ جان، مال و آبرو، امنیت پیدا می‌کنند و روابط دولت و ملت صمیمانه شده و پایه‌های دولت هم مستحکم می‌گردد. برعکس اگر در جامعه‌ای قضا و رسیدگی بر دعاوی مردم مورد توجه قرار نگیرد، عدالت از آن رخت برمی‌بندد و هرج و مرج و فساد آن جامعه را فرا می‌گیرد و در نتیجه موقعیت دولت از بین می‌رود.

همان‌طور که حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «مسأله‌ی قوه‌ی قضاییه، مسأله‌ی کمی نیست؛ لذا همه وظیفه دارند کمک کنند تا این قوه‌ی تعیین کننده بتواند نقش ممتاز و بی‌بدیل خود را به انجام برساند. اگر خدای نکرده این قوه فلج باشد، هر چه دستگاه‌های دیگر خوب کار کنند، نخواهند توانست خلأهای ناشی از تجاوزها و سوء استفاده‌ها و قصورها و تقصیرها را پُر کنند؛ یعنی تمامیت نظام جز به تمامیت‌وكمال قوه‌ی قضاییه تحقق پیدا نخواهد کرد.» (علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۴/۵، <http://www.basirat.ir>)

آری «قضا» در کم کردن فاصله‌ها و تبدیل اختلاف به اتفاق، و نزاع به توافق که هر اجتماعی به آن نیاز دارد نقش مهمی دارد و به یقین باعث سعادت و آرامش و امنیت در جامعه می‌گردد. پس قوه قضاییه مستقل، که از آزادی کامل برخوردار باشد در هر جامعه‌ای لازم و ضروری است زیرا از آغاز پیدایش جامعه در روی زمین پیوسته در میان افراد بشر نزاع، اختلاف و کشمکش وجود داشته است و تاریخ بر این مطلب گواه است و وقایع محسوس تاریخی نیز آن را روشن می‌سازد. علت این اختلافات غالباً دو چیز است.

۱. حرص و آز: طبع بشر بر این است که پیوسته می‌خواهد همه چیز را از آن خود سازد و

در هر کاری «خود محور» گردد و این روحیه او را از معنویات و فضائل عالی انسانی دور می‌سازد.

۲. اختلاف در تشخیص حق: اختلاف دو نفر ممکن است مربوط به حرص و طمع آنان به حقوق یکدیگر نباشد، بلکه به خاطر عدم تشخیص حق به نزاع و مشاجره پردازند و هر یک معتقد گردد که حق آن است که او می‌گوید نه دیگری، چه بسا این دو نفر که با هم اختلاف دارند، از لحاظ تقوا و حسن نیت و فضائل انسانی در بالاترین درجه کمال باشند، ولی ناآگاهی آنها نسبت به حق سبب اختلاف و نزاع میان آنها گردد، شکی نیست وجود اختلاف خطر بزرگی برای امنیت و استقرار و سلامت جامعه است، زیرا اختلاف باعث دشمنی و شعله‌ور گردیدن آتش عداوت و کینه میان دو خصم می‌باشد و چه بسا ممکن است به خاطر یک موضوع جزئی، خونهای زیادی ریخته شود و اموال فراوانی هدر رود و ناموس افراد شریفی ضایع گردد.

به همین جهت قرآن مجید تأکید بر این دارد که باید به اختلافها رسیدگی شود و ریشه آنها از بیخ کنده گردد و مسلمانان را بر اصلاح ذات البین تحریک و تشویق می‌نماید. (جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۳۱-۳۳۲) و می‌فرماید: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال/۱) در میان خود صلح برقرار کنید» امیر مؤمنان علی علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند که فرمود: «اصلاح ذات البین افضل من عامه الصلاة و الصیام» (نهج البلاغه، قسمت نامه ها، نامه شماره ۴۷) ایجاد صلح و سازش و تحکیم رشته الفت میان مردم از هر نماز و روزه‌ای برتر و بهتر است»

راه‌های حل اختلاف

جعفر سبحانی می‌فرماید: حل اختلاف به چند صورت ممکن است

۱. به کار بردن سلاح و قدرت و منطق زور «الحق لِمَنْ غلب» حق از آن کسی است که غلبه کند، در این صورت شخص غالب در هر صورت حق است، ولی این منطق را وجدان سلیم قبول نمی‌کند و عقل و دین به آن راضی نمی‌شود.
۲. به کار انداختن تبلیغات کاذب و وارونه نشان دادن حقایق تا آن حد که حق باطل و باطل

به صورت حق جلوه کند و این هم منطقی است که دین آن را نمی‌پذیرد.

۳. واگذار کردن موضوع به زمان که تا در اثر مرور زمان و گذشت روزها و ماه‌ها و سال‌ها مسأله خود به خود حل شود، این هم امری است که اجتماع بشری که در اسرع وقت احتیاج به حل مشکلات و معالجه سریع دردهای خود دارد نمی‌تواند آن را تحمل کند.

۴. طرفین نزاع به حال خود واگذاشته شوند، یا از نزاع و اختلاف دست بردارند و یا یکی از حق خود صرف نظر کند و در نتیجه حق باطل و باطل حق گردد و این را هم اسلام نمی‌پذیرد، چنان‌که علی علیه السلام می‌فرماید: «الحق القديم لا یبطله الشی» حق دیرینه را چیزی باطل نمی‌سازد»

۵. اسلام برای حل و فصل دعاوی راه پنجمی را برگزیده است و آن چیزی است که شرایع آسمانی گذشته نیز به آن دعوت کرده است و آن راست و حیات و ضروریات جامعه نیز اقتضاء می‌کند، اسلام از نزاع کنندگان دعوت می‌کند برای حل اختلاف خود به افراد خوب و شایسته مراجعه کنند و به هر حکمی که از ناحیه آنها صادر می‌شود راضی باشند و این سبب می‌شود که اختلاف برطرف شود و دو نفر متخاصم غالباً برادر و علاقه‌مند همدیگر گردند، و بدین ترتیب اجتماع از خطر اختلاف و نزاع نجات می‌یابد. [بناءً وجود قوه قضاییه‌ای مستقل، سالم و آزاد در جامعه اسلامی ضروری است] و نظر به اهمیت حیاتی و فوق العاده‌ای که قوه قضاییه دارد، این قوه یکی از ارکان حکومت‌های قدیم و جدید محسوب می‌شود، و اهمیت و موقعیتی که این رکن دارد دیگر ندارد.

قوه قضاییه در نظام اسلامی از چنان اهمیت و موقعیتی برخوردار است که هرگز در نظام‌های سابق و لاحق سابقه‌ای ندارد و نسبت به دیگر ارکان حکومت و شئون دولتی خیلی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و دارای قوانین و برنامه‌های ویژه‌ای است. آری قرآن کریم اساس قضا را وضع کرده و ارکان آن را پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله تحکیم نموده و تفصیل و جزئیات و حدود و احکام آن را نیز ائمه اطهار علیهم السلام بیان داشته‌اند و نظام اجتماعی و نحوه تشکیلات آن مربوط به مقتضیات زمان است. (جعفر سبحانی، پیشن، ص ۳۳۳-۳۳۴)

از طرفی آزادی و استقلال قوه قضاییه از دیگر قوا از دیرباز مورد توجه فقها بوده است و فقهای عظام با الهام از تعالیم شرع مقدس به این مسأله توجه نموده‌اند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند: «دستگاه قضا باید به جایی برسد که هر مظلومی بتواند خود را به ساحل امن آن برساند و در مقابل ظلم بایستد.

(علی خامنه‌ای، بیانات، ۲۳/۱۰/۱۳۷۱، <http://www.leader.ir>)

و مرحوم محقق نائینی در این زمینه می‌فرماید: «ولایت حاکم به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. رسیدگی به امور سیاسی: که منظور از آن تنظیم امور شهرها و منظم ساختن کارهای مردم است.

۲. قضاء: رسیدگی به اختلافها، این دو منصب در زمان پیامبر گرامی ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام و خلفا سه گانه دیگر، برای دو گروه بود و در هر شهر و منطقه‌ای والی غیر از قاضی بود، بعضی‌ها تنها به منصب قضا و افتا منصوب بوده‌اند، و بعضی دیگر برای اجرای حدود و تنظیم امور شهرها و رسیدگی به مصالح مسلمانان. آری بعضاً اتفاق می‌افتاد این دو منصب به یک فردی که به هر دو منصب لیاقت داشت داده می‌شد ولی در بیشتر اوقات والی از قاضی جدا بود.» (محمد حسین نائینی، منیه الطالب، ج ۱، ص ۳۲۵)

الف) مفهوم آزادی قضایی

فقهای اسلام در مقام تعریف قضاوت تعبیرهای مختلفی دارند از جمله:

۱. آیت الله خوئی رحمه الله

ایشان در کتاب مبانی تکمّله المنهاج قضاوت را این چنین معنا می‌کند: «قضا عبارت است از فصل حکومت میان متخاصمان و حکم به ثبوت حق نسبت به دعوای مدعی و یا حکم نسبت به عدم ثبوت حق نسبت به دعوای مدعی بر ضد مدعی علیه» و تفاوت میان قضاوت و فتوا آن است که فتوا عبارت است از بیان احکام کلی با قطع نظر از تطبیق آنها بر موارد و جزئیات و آن تنها می‌تواند برای کسانی حجت باشد که تقلید مجتهد فتوادهنده برایشان واجب است و تطبیق فتوا بر موضوعات خارجی و مصادیق جزئی فقط به نظر مکلف و مقلد است نه مجتهد و فقیه. اما قضاوت حکم به قضایا و جریانات شخصی می‌باشد که مورد نزاع و مشاجره قرار گرفته‌اند، مثلاً قاضی حکم می‌کند که مال فلانی متعلق به زید و فلان زن زوجه و همسر عمرو

است... و مسائلی از این قبیل و چنین حکمی برای همه افراد نافذ می‌باشد حتی اگر یکی از متخاصمان و یا هر دوی آنها مجتهد باشند.» (ابوالقاسیم خوئی، مبانی تکمّله المنهاج، ج ۱، ص ۴۰۵)

۲. امام خمینی رحمته الله علیه

امام رحمته الله علیه قضاوت و حساسیت و عظمت منصب قضا را چنین مورد تعریف و توصیف قرار داده است: «قضاوت عبارت از حکم (داوری) میان مردم به جهت رفع تنازع و دعوا بین ایشان است... و منصب قضا از مناصب بزرگ و جلیله‌ای است که از جانب خداوند برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از طرف آن حضرت برای امامان معصوم علیهم السلام و از سوی ایشان برای فقیه جامع الشرایطی که می‌آید ثابت است.» (روح الله خمینی، نحرر الوسیله، ج ۲، کتاب القضاء، ص ۴۰۴-۴۰۵)

با توجّه به دو تعریف مذکور می‌توان گفت: که آزادی قضایی عبارت است از: آزادی قاضی، متّهم و شاکی نسبت به رفتار و گفتار مربوط به امور قضایی‌شان. بدین معنی که قاضی در امر قضاوت و صدور حکم از هیچ ناحیه‌ای تحت فشار و تهدید نباشد و متّهم نیز در اعمال حقوق قضایی خود از قبیل: حق داشتن وکیل مدافع، امکان انتخاب وکیل تسخیری، علنی بودن دادرسی‌ها، شرکت هیأت منصفه در جرایم مطبوعاتی و سیاسی، نظارت دیوان عالی کشور بر حسن اجرای قوانین، قابل تجدید نظر بودن بعضی از احکام، قابل واخواهی بودن احکام غیابی، تفهیم اتهام و تذکر اینکه متّهم مواظب اظهارات خود باشد، ممنوعیت دو بار مجازات به خاطر یک عمل، تعبیر و تفسیر قوانین کیفری به نفع متّهم، حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، آزادی کامل در طرح دعاوی، اصل برائت و غیره و همینطور شاکی در اعمال حقوق قضایی خود از قبیل اینکه: تعقیب جرایم قابل گذشت منوط به شکایات متضرّر از جرم باشد و گذشت او سبب موقوفی تعقیب گردد، گذشت شاکی یا مدّعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت از کیفیات مخفّفه به شمار آید، پرداخت ضرر و زیان مدّعی خصوصی از شرایط اعطای آزادی مشروط: قرار تعلیق تعقیب و صدور حکم مجازات تعلیقی شناخته شود، شاکی خصوصی باید بتواند ضرر و زیان خود را مورد مطالبه قرار دهد و حق اعتراض نسبت به قرارهای موقوفی تعقیب، منع تعقیب و حکم برائت را داشته باشد.

ب) موارد و قلمرو آزادی قضایی

۱. آزادی و استقلال قضایی نسبت به قاضی

۱-۱. آزادی و استقلال قاضی در برابر قوه مجریه

قاضی باید در برابر خواسته‌های مقامات قوه مجریه استقلال کامل داشته باشد و در برابر تهدیدهای دست‌اندرکاران این قوه از تعرض مصون بماند و وعده‌ها و تضمین‌ها در او اثر نگذارد. حضرت امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاههای انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰) حضرت امام علیه السلام به خاطر اهمیتی که برای آزادی و استقلال قضایی قائل است، مداخله غیرقانونی در امور قوه قضایی را برخلاف دستورات اسلام و تخلف دانسته و می‌فرماید: قوه قضاییه که ملجا و پناهگاه مردم ستمدیده است، قوه‌ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد و اگر کسانی پیدا شوند که ندانسته در امور قضایی دخالت می‌کنند باید بدانند که برخلاف دستورات شرعی و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده‌اند و اگر دانسته تخلف می‌کنند مستحق عقاب و تعقیب هستند.» (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۳۴)

۱-۲. آزادی و استقلال قاضی در برابر مسئولان قوه قضاییه

بیشترین تهدید یا تضمین برای عملکرد قضات و نقض استقلال آنان به وسیله خود مقامات و مسئولان قوه قضاییه صورت می‌گیرد. مسئولان این قوه می‌توانند بر عملکرد دادگاه‌ها نظارت داشته باشند ترتیب نظارت اداری - قضایی را قانون تعیین می‌کند. مسئولان و مقامات قوه قضاییه باید از هرگونه سفارش، پیش داوری و اظهار نظر خودداری کنند. وقتی مسئولی در قوه قضاییه اعلام می‌دارد که با جرم معین و یا بزه‌کاران خاص به شدت برخورد خواهد داشت و یا در این جهت دستورالعمل صادر می‌کند و قضات را به شدت عمل یا بر عکس به ارفاق و ملایمت تشویق می‌نماید در حقیقت استقلال قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کلیه مسئولان

و دست‌اندرکاران قوه قضاییه که نفوذ کلام دارند باید از اینگونه امور پرهیز کنند. دادرسی نیز برای حفظ استقلال قضایی نباید این نوع توصیه‌ها و دستورالعمل‌ها را بپذیرد.

۳-۳. آزادی و استقلال قاضی حتی در برابر رهبر

حضرت امام خمینی علیه السلام معتقد است که قاضی حق ندارد حتی به خاطر رهبر که بالاترین مقام مملکتی است، ظوابط را فدای روابط بکند لذا می‌فرماید: قاضی حتی توصیه و سفارش از ناحیه رهبر (ولی فقیه) را هم نباید بپذیرد. من این را کراراً گفته‌ام، اگر از من توصیه برای کسی آمد، از دفتر من برای کسی توصیه آمد، از کسانی که به من مربوطند توصیه آمد، بنید به دیوار! قاضی نباید تحت تأثیر کسی باشد. قاضی آزاد است و باید در محیط آزاد عمل بکند. توصیه‌ها را هیچ به آن اعتنا نکنید. اگر یک وقت توصیه به حق است که خوب، آن وقت شما البته باید توصیه به حق را رسیدگی بکنید. بر فرض که توصیه هم نشود، باید رسیدگی بکنید. اگر خدای نخواسته یک توصیه‌ای است که ناحق است، هیچ نباید به آن اعتنا کرد. در هر صورت قاضی مستقل است و خودش باید نظر بدهد؛ لکن خدا را شاهد ببیند. این قلمی که دست می‌گیرد قلمی است که ممکن است که آبروی یک مسلمی را از بین ببرد؛ و ممکن است احقاق حقی بکند. و همینطور در همه امور باید خدای تبارک و تعالی را ناظر و حاضر ببینید. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۷۲)

۴-۱. آزادی و استقلال قاضی در برابر افکار عمومی

بدون تردید افکار عمومی قابل احترام است در کشورهایی که براساس رأی مردم اداره می‌شوند احترام به افکار عمومی از والاترین ارزش‌ها است، اما قضاوت در جوامع امروزی بر مبنای معیارهای قانونی صورت می‌گیرد. افکار عمومی باید هرچه زودتر در قالب قانون درآید و تازمانی که به این صفت آراسته نشده نباید در سرنوشت رأی اثر بگذارد، در صدور احکام و نتیجه رأی نباید مداخلت داشته باشد، فرد بی‌گناهی را به لحاظ تسکین افکار عمومی بازداشت کردن و یا محکوم نمودن و یا به عکس فرد گناهکاری را به لحاظ تسکین افکار عمومی از مجازات معاف نمودن مطلوب دادرسی‌های قضایی نیست و عدالت قضایی را سخت زیر سؤال می‌برد.

۵-۱. آزادی و استقلال قاضی در برابر سایر مقامات

باید دانست که آزادی و استقلال قضایی مفهوم عام و فراگیر دارد و در برابر همه مقامات یکسان می باشد بنابراین آزادی و استقلال قضایی در برابر اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان قوه مقننه، مراجع قضایی و انتظامی باید محفوظ بماند و هیچ یک از افراد و مقامات نباید در عملکرد قاضی مداخله کنند. هرگونه سفارش، توصیه، درخواست، دستور و یا خواهش باید نادیده گرفته شود قاضی مستقل، نباید به آنها توجهی داشته باشد.

حضرت امام خمینی علیه السلام استقلال قوه قضاییه را یک اصل الهی اسلامی می داند که به موجب این اصل قوه قضاییه و قاضی مستقل است و هیچ کس حق دخالت در آن را ندارد. و قضات حق ندارند به هیچ وجه به حرف کسی گوش بدهند، زیرا این خلاف شرع و خلاف دستور صریح اسلام است. لذا امام علیه السلام می فرماید: «در این مورد مطلبی که من باید به عموم مردم و بخصوص آنهایی که در کارهای کشور و مملکت دست دارند تذکر دهم، این است که قوه قضاییه قوه ای است مستقل، و معنای استقلالش این است که در صورتی که حکمی از قضات صادر شد، هیچکس حتی مجتهد، دیگر حق ندارد آن را نقض و یا در آن دخالت نماید. و احدی حق دخالت در امر قضا را ندارد و دخالت کردن، خلاف شرع و جلوگیری از حکم قضات هم برخلاف شرع است... من باز عرض می کنم که استقلال قضایی معنایش این است که اگر قاضی حکمی کرد، احیاناً رسیدگی به آن حکم مرجع دارد و غیر از آن، هیچکس حق دخالت ندارد. من امیدوارم که آقایان در قوه قضاییه موفق باشند که به طور شایسته و با قدرت عمل کنند، و امیدوارم ملت و مجلس و دولت هم پشتیبان آنان باشد که خدای نخواستہ صدمه ای به آن وارد نشود.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۲۱)

حضرت آیت الله خامنه ای، در مورد استقلال قوه قضائیه می فرماید: «با ظلم هر کسی، در هر حدی و در هر مرتبه ای، برخورد کنید. آن ظالم هر که باشد، در هر رتبه ای از رتب و هر درجه ای از درجات قرار داشته باشد، باید با او برخورد شود. با ظالم باید برخورد شود. قضای اسلامی قضایی است که امیرالمؤمنین علیه الصلاه والسلام، نسبت به حسان بن ثابت اعمال

کرد. «حسان» با شعر و زبان خود، از امیرالمؤمنین دفاع کرده بود. به امیرالمؤمنین گفتند: «او جزو دوستان شماست. او جزو گروه شماست. او در دفاع از شما شعر گفته است؛ جزو مجموعه‌ی شماست. حال اگر در ماه رمضان مرتکب کار خلافی هم شده - که البته کار او ظلم به کسی هم نبوده، بلکه ظلم به نفس خودش بوده است - از وی صرف‌نظر کنید!» امیرالمؤمنین فرمود: «من حد الهی را تعطیل نمی‌کنم!» و حد را بر او جاری کرد.» (علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳، ر.ک. <http://www.basirat.ir>)

۲. آزادی و استقلال قضایی نسبت به اصحاب دعوا

۲-۱. آزادی قضایی نسبت به شاکی

در یک دادرسی عادلانه شاکی و یا مدّعی باید از حقوق زیر برخوردار باشد.

۲-۱-۱. تعقیب جرایم قابل گذشت منوط به شکایات متضرّر از جرم باشد و گذشت او سبب موقوفی تعقیب گردد.

۲-۱-۲. گذشت شاکی یا مدّعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت از کیفیات مخفّفه به شمار آید.

۲-۱-۳. پرداخت ضرر و زیان مدّعی خصوصی از شرایط اعطای آزادی مشروط: قرار تعلیق تعقیب و صدور حکم مجازات تعلیقی شناخته شود.

۲-۱-۴. شاکی خصوصی باید بتواند ضرر و زیان خود را مورد مطالبه قرار دهد و حق اعتراض نسبت به قرارهای موقوفی تعقیب، منع تعقیب و حکم برائت را داشته باشد.

خوشبختانه تمامی این حقوق و مزایا در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران که مورد عنایت فقها و رهبری است، مورد شناسایی قرار گرفته و از این حیث به جرأت می‌توان گفت که قوانین جمهوری اسلامی نه تنها با اعلامیه‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد و اعلامیه قاهره و میثاق حقوق مدنی و سیاسی تطبیق کامل دارد، بلکه می‌تواند سرمشق و نمونه خوب و کاملی برای سایر کشورها باشد. (محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، ص ۳۴۹)

۳. آزادی قضایی نسبت به متهم

- ۳-۱. حق داشتن وکیل مدافع
- ۳-۲. امکان انتخاب وکیل تسخیری
- ۳-۳. علنی بودن دادرسی‌ها
- ۳-۴. شرکت هیأت منصفه در جرایم مطبوعاتی و سیاسی
- ۳-۵. نظارت دیوان عالی کشور بر حسن اجرای قوانین
- ۳-۶. قابل تجدید نظر بودن بعضی از احکام
- ۳-۷. قابل واخواهی بودن احکام غیابی
- ۳-۸. تفهیم اتهام - و تذکر اینکه متهم مواظب اظهارات خود باشد
- ۳-۹. ممنوعیت دوبار مجازات به خاطر یک عمل
- ۳-۱۰. تعبیر و تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم
- ۳-۱۱. حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها
- ۳-۱۲. آزادی کامل در طرح دعاوی
- ۳-۱۳. اصل برائت و غیره از جمله اصول مهم و شناخته شده دادرسی‌های عادی است که در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به تفصیل و با ژرف نگری بیان شده است. (محمود آخوندی، همان، ج ۴، ص ۳۵۰) حضرت علی علیه السلام در مورد رعایت حال مظلوم و ناتوان فرموده است: «فَانِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تَقْدَسَ أُمَّتُهُ لَا يُوْخَذُ لَضَعِيفٍ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرِ مُتَمَتِّعٍ» (محمدحسین مشایخ، فریدون، نظرات سیاسی نهج البلاغه، نامه ۵۳) من از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که بارها می‌فرمود: هیچ امتی که در آن با صراحت و بی‌لکنت زبان حق ناتوان از زورمند باز پس گرفته نشود از ستم پاک‌سازی نخواهد شد.»
- از آنجایی که امام خمینی رحمه الله مرجعیت دینی و حاکمیت ولایی امت اسلامی را عهده‌دار بودند لذا روی اجرای حق و عدالت و عدم تضییع حقوق انسان‌ها و لویک آدم مجرم و متهم درجه اول زیاد تأکید می‌کردند و ایشان در این باره می‌فرماید: «هر قضاوتی پیش شما بیاید، به طور حق، به طور عدالت، بدون نظر به اینکه این آدم چه است و آن آدم چیست، حتی یک

مجرم درجهٔ اوّل وقتی که آمد روی حق نظر بکنید، این سابقه‌اش چگونه است این را در نظر نگیرید، روی حق و عدالت به آن نظر بکنید و حکمی که صادر می‌کنید یک حکم عادلانه باشد، که در محضر حق تعالی که وارد می‌شوید مورد اشکال نباشید و رو سفید باشید.» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۷)

در واقع همانطور که گفته شد امام علیه السلام در اعمال، رفتار و گفتارش به حضرت علی علیه السلام اقتدا کرده و از آن امام همام الگو و سرمشق گرفته و پیروی می‌کردن، همانطور که امام علی علیه السلام خود را با آن مرد یهودی در برابر قانون و اجرای عدالت مساوی دانستند و حتی خودش به آن قاضی که امام را بیشتر احترام نمود سفارش کرد که باید با هر دو طرف دعوا به طور مساوی رفتار بکنی، حتی در نشستن و نگاه کردن، حضرت امام خمینی علیه السلام هم با تأسی به سیرهٔ آن امام معصوم فرمودند: «در اجرای حکم و حدود الهی احدی مستثنی نیست حتی اگر خدای نخواست رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است باید در مورد او اجرا شود.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۱۳)

همینطور امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «از نکاتی که تذکر بدهم این است که قوه قضاییه یک قوه مستقل باید باشد. یعنی در همه جای دنیا این رسم هست که قوه قضاییه مستقل است. حالا ما در کشور خودمان که استقلال داده است اسلام به قوه قضاییه و قاضی و قوه قضاییه مستقل است، هیچ کس نباید در آن دخالت بکند. قضات نباید گوش به هیچکس بدهند جز آنکه برای خدا کار خودشان را انجام بدهند، حق را ملاحظه بکنند. اگر فرض کنید که یک جایی را دیدند حق است، اگر تمام کشور ایران به آنها بگویند که به آن طرف حکم بدهید، نکنند. خدا اینطور مقرر فرموده است، باید شما به حق برسید. کار به اینکه این رفیق فلان است، این دوست فلان است، این پسر فلان است، این خود فلان است، خیر، کاری به این کارها نداشته باشید. باید شما به همانطوری که شرع مقدّس امر فرموده است قضاوت کنید و مستقل در قضاوت باشید و محتاط در قضاوت. احتیاط در قضاوت کنید، توجه بکنید که مبدا یک مظلومی حقش ضایع بشود یا یک نفری زاید بر آن مقداری که باید جریمه بشود یا تعزیر بشود، زاید بر او نباشد. گرفتاری دارد این مسائل، باید این را خیلی توجه بکنید. و من امیدوارم

که آقایان علمائی که الآن مشغول هستند و بعدها هم ان شاء الله می آیند و مشغول می شوند، توجه بکنند که مستقل هستند و کسی حق اینکه هیچ نقشه‌ای، هیچ دخالتی در کار آنها بکند ندارد. و البته روی موازین شرعی اگر اشتباه ثابت شد، آن وقت روی همان موازین شرعی عمل می شود. (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۲۶-۲۲۷)

ج) ساز و کارهای تأمین آزادی قضایی

۱. از طریق گزینش قضات آزاداندیش

برای اینکه قاضی مستقل باشد و بتواند با اندیشه شخصی خود رأی بدهد، باید در او خودباوری، استقلال فکری و آزاداندیشی موجود باشد. زیرا در مکتب اسلام و حکومت انبیاء الهی و جانشینان آنها قضا منصب الهی است و قاضی نماینده خدا است چنانکه خداوند در قرآن خطاب به داود پیغمبر می فرماید:

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (سوره ص/۲۶) ای داود ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم پس میان خلق خدا به حق داوری (و حکم) کن و هرگز از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا گمراه سازد.

باید دقت کرد که تمام انسان‌ها آزاداندیش نیستند. بعضی اسیر هوای نفس هستند. در گزینش قاضی علاوه بر جهات و صفات علمی باید مکارم و ویژه اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. باید به آزاداندیشی و استقلال فکری قاضی توجه بیشتری مبذول گردد. عللی که در طول دوران زندگی، انسان را از آزاداندیشی بازمی دارد و او را ضعیف و مطیع بار می آورد، باید از جهات منفی گزینش قاضی به شمار آید. فرد باید از ابتدا برای این امر خطیر تربیت شود. تغییر رتبه‌های اداری به قضایی و سپردن مشاغل قضایی به افرادی که از ابتدای انتخاب شغل در این حرفه نبوده‌اند، نتایج مطلوبی ندارد. عدم توجه به شخصیت کارآموزان قضایی، فراهم نیاموردن امکانات رفاهی برای آنان و این که در دادگاه‌ها بدون داشتن محل مناسب و درخور شأن، دوره

کارآموزی را سپری کنند و با بی‌احترامی‌ها و خشونت‌ها مواجه شوند از همان ابتدای دوران شروع به کار قضایی شخصیت و استقلال فکری و روحی آنان را از بین می‌برد. بدیهی است که چنین افرادی نمی‌توانند قاضی مستقل و آزاداندیشی بار آیند که برای تأمین عدالت قضایی به وجود آنان نیاز است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

یکی از چیزهایی که در مجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه لازم است، عبارت است از عدم دخالت حب و بغض‌ها و جریان‌سازی‌های سیاسی در درون قوه‌ی قضائیه. یکی از خطرات بزرگ همین است که جوسازی‌های سیاسی اثر بگذارد بر روی مجرای صحیح قضاوت، و بر روی ذهن قاضی، و بر روی ذهن بازپرس، و مجموعه‌ی چرخه‌ی رسیدگی به پرونده‌ها. خوب، جوسازی سیاسی می‌شود، روزنامه می‌نویسد، رادیوهای بیگانه می‌گویند، دشمن می‌گوید، جناح‌های مختلف حرف می‌زنند؛ اینها نباید اثر بگذارند تقوا یعنی همان مراقبت؛ مراقبت از خود، مراقبت از مسیر، مراقبت از در نیفتادن و دچار نشدن به مشکلات. (علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۷، ر.ک.

<http://www.basirat.ir>)

۲. از طریق استقلال مالی و تأمین زندگی قاضی

قاضی مسئولیت بزرگ و مهمی را به عهده دارد و هرگز در میان مسئولیت‌ها و منصب‌ها مشابهی ندارد لهذا باید از لحاظ عمل استقلال و آزادی کامل داشته باشد، تا در مقابل چیزی که او را از عمل به مسئولیت خود منحرف می‌سازد، سر فرود نیاورد از این جهت نیز قاضی از لحاظ اقتصادی و مالی هم باید استقلال داشته باشد، نیازمند دیگران نباشد، تا شکار و طعمه فریب دهندگان نشود. به خاطر چنین موقعیت حساس دادرسی، حکومت اسلامی دستور می‌دهد که کلیه نیازمندی‌های قاضی باید برطرف شود تا چشم طمع به مال دیگران ندوزد. (جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۴۶)

به خاطر همین اهمیت استقلال و آزادی قضایی است که امیر مؤمنان علی (ع) در فرمانش به مالک چنین می‌فرماید:

وافسخ له فی البندل ما یزیل علته و تتقل معه حاجته الی الناس (نهج البلاغه، قسمت نامه ها، نامه شماره ۵۳) ای مالک زندگی او «قاضی» را فراهم ساز و خواسته‌های او را برآورده کن که عذری در کاری برای او ایجاد نشود و از بخشش مردم بی‌نیاز باشد.

در این جمله امام علی علیه السلام استاندار خود را موظف می‌گرداند حقوق قاضی نباید در حد خاص معین گردد، زیرا ممکن است این حقوق به احتیاجات او کفاف ندهد و نیاز بیشتر داشته باشد و لذا دستور می‌دهد به قاضی از بیت‌المال آنقدر عطا کند که احتیاج مالی به دیگران نداشته باشد، می‌گویند: دولت انگلستان برای قضات حقوق معین نمی‌کند بلکه دسته چک‌هایی از بانک که به امضا دولت رسیده نزد قاضی موجود است و جای مبلغ آنها سفید و تعیین مبلغ با خود قاضی است که در هر وقتی مبلغی که مورد احتیاج اوست بنویسد و از بانک به حساب دولت دریافت دارد. (جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۴۷)

و حقیقتاً هم خیلی از انسانهایی که در دادگاهها از حقوق حقه شان محروم می‌گردند و خیلی از حقوق که پایمال گردیده و در لباس باطل ظاهر می‌شوند و خیلی از بی‌عدالتیها و حق کشیها که در لباس حق جلوه‌گر می‌شوند به خاطر جهالت قاضی نسبت به حکم و عدم تشخیص حق نیست، بلکه اکثراً به خاطر دو چیز است:

یک) عدم تأمین زندگی قاضی

قاضی که زندگی‌اش تأمین نباشد و از نظر مایحتاج زندگی دستش پیش مردم دراز باشد، با کوچکترین طعمه و چراغ سبزی به راحتی حق را نادیده گرفته و به ناحق حکم خواهد کرد، بزرگترین آفت هم که در این شرایط دامنگیر قاضی می‌شود و استقلال و آزادی قضا را از قاضی سلب نموده و در نتیجه آزادی قضای مردم را به مخاطره می‌اندازد مسأله «رشوه» است.

دو) عدم صلاحیت قاضی

یعنی اگر قاضی از نظر صلاحیت فاقد یکی از شرایط هشتگانه^۳ که اسلام برای قاضی در نظر گرفته است و فقها آن را بیان کرده‌اند باشد، به خصوص دو شرط «ایمان و عدالت» در این صورت ولو قاضی زندگی‌اش تأمین باشد باز هم ممکن است تابع هوای نفس بوده به خاطر طمع در مال مردم حقشان را ضایع گرداند، یا چون فاقد ایمان است آدم سست عنصر و ترسو بوده و به خاطر اینکه مقامش را از دست ندهد در قضا تابع حاکمیت باشد و همواره مطابق میل حاکمیت حکم کند-

لذا آیت الله جعفر سبحانی می‌فرماید:

تنها استقلال مالی کافی نیست، بلکه قاضی باید در عمل خود از هر عامل فشار خارجی و از مداخله هر صاحب سلطه و نفوذی مصون باشد، قاضی باید هر عامل خارجی را نادیده بگیرد، تا حق خود به خود بدون تأثیر و مداخله عوامل خارجی، روشن شود ایشان برای تأکید کلامش استناد می‌کنند به فرمان امام علی علیه السلام که در این باره به مالک اشتر می‌نویسد: «و أعطه من المستزله لدیک مالا یطمع فیه غیره من خاصتک لیا من به ذالک اغتیاال الرجال له عندک فافی ذالک نظرا بلیغا»^۴ (نهج البلاغه، نامه ۵۳) چنین کسی را نزد خویش عزیز بدار و به خود نزدیکش کن تا کسی از نزدیکان تو طمع در وی نکند و از اینکه مردم ناگهان او را بفریبند، آسوده بماند و با خیال آسوده در مورد خائنان به وظایف خود عمل کند. اینک در مورد انتخاب قاضی آنچه را که گفتیم بکار بند و در این کار تأمل بسیار کن.

یعنی قاضی از موقعیتی بر خوردار باشد که تحت تأثیر احدی قرار نگیرد، تا بتواند به حق دآوری کند و دعاوی را حل و فصل نماید و بدون کوچکترین ترس و ملاحظه

۳ - توضیح شرایط هشتگانه: اسلام برای قاضی شرایط و اوصافی را شرط کرده است که قبل از آن در تاریخ قضا سابقه نداشته است و این اوصاف عبارت اند از: ۱- بلوغ ۲- عقل ۳- ایمان ۴- عدالت ۵- حلال زاده بودن ۶- عالم به قانون بودن ۷- مرد بودن ۸- داشتن اعتدال روانی از نظر تحلیل ضبط مطالب، برای اطلاعات بیشتر ر.ک. شرایع الاسلام، تالیف محقق حلی، کتاب القضا.

حکم صادر کند که در اصطلاح سیاسیون امروز از آن به «استقلال قوه قضاییه و تفکیک آن از قوای دیگر تعبیر می‌شود. (جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۴۷-۳۴۸)

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

احکام دادگاه‌ها بایستی مطلقاً از سهل‌انگاری و سهل‌گیری به دور باشند. شما به عنوان یک قاضی محترم، حکمی که صادر می‌کنید، باید جوری باشد که اگر این حکم بنا باشد در معرض دید متخصصین امور فقهی و حقوقی قرار بگیرد، شما هیچ دغدغه‌ای نداشته باشید؛ مطمئن باشید به این حکمی که صادر کرده‌اید. قاضی وقتی از دانش لازم برخوردار است و مراقب کار خود و حکم خود هم هست، باید جوری باشد که همان وقتی که این حکم صادر شد، حاضر باشد آن را در معرض دید همه کارشناس‌ها و متخصصین قرار بدهد و بتواند از حکم خودش دفاع کند.» (علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۴/۷. ر.ک. <http://www.yjc.ir>)

۳. از طریق مصونیت قضایی

برای تأمین آزادی و استقلال قضات، طی دوران خدمت قضایی، دو نوع مصونیت منظور شده است:

۳-۱. مصونیت شغلی

این نوع مصونیت برای نخستین بار در اصل هشتاد و دوم متمم قانون اساسی مشروطه بیان گردیده و برابر آن: «تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمی‌شود مگر به رضای خود او» متن اصل یاد شده که از نظریات آزادی خواهان مکتب کلاسیک متّخذ بود، استقلال قاضی را از نظر شغلی به نحو بسیار کامل و روشنی تضمین می‌کرد، اعضای محترم مجلس خبرگان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اندیشه فوق را تأیید کرده‌اند: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دایم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضایی به اتفاق آرا. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.» (قانون اساسی اصل

۱۶۴ مصوّب ۱۳۵۸) اما معلوم نیست به چه علّتی نه تنها این استقلال را بارورتر نکرده‌اند بلکه با اعطای اختیار برای «تغییر محل خدمت یا سمت قاضی به اقتضای مصلحت جامعه و با تصویب شورای عالی قضایی به اتفاق آرا»، به استقلال قضات ضربه شدیدی وارد کرده‌اند. به عبارت دیگر قانون اساسی، استقلال قضایی را نادیده گرفته است. (محمد آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، ص ۳۳۵) هرچند که این متن در شورای بازنگری قانون اساسی اصلاح شد ولی این اصلاح نیز نفعی برای قضات دربرداشت و در جهت تأمین استقلال کامل آنان مؤثر نبود؛ زیرا این اختیار به رئیس قوّه قضاییه تفویض گردید که پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل آن را انجام دهد. اصل ۱۶۴ قانون اساسی پس از بازنگری ۱۳۶۸، بدین صورت در آمده است: «... مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوّه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل ...».

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که مصوئیت شغلی قضات در حال حاضر متزلزل می‌باشد. هرچند با اعتمادی که به ریاست محترم قوّه قضاییه وجود دارد هیچ تغییر نامطلوبی گزارش نشده است، اما وجود این نوع قانون، خود خطری برای قضات به شمار می‌آید. خوشبختانه اصل مذکور در جهت حمایت از قضات مورد تفسیر قرار گرفته و تا حدی آسودگی فکر و خیال آنان را تأمین کرده است. استثنای مندرج در این اصل: «مگر مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوّه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت «یا بدون رضای او محل خدمت و یا سمتش را تغییر دهند» می‌باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد.

این نکته را یادآوری می‌نماید که نویسندگان قانون اساسی دوران مشروطه برای قضات و شاغلین مقام قضایی اهمّیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند. کما این که به موجب اصل هشتادم متمم قانون اساسی: «رؤسا و اعضای محاکم عدلیّه به موجب فرمان... منصوب می‌شوند.» اعطای فرمان از طرف عالی‌ترین مقام مملکتی دلیل بر اهمّیت شغل قضا و ارج نهادن بر مناصب قضایی است و ضامن اجرای استقلال شغلی نیز محسوب می‌شود. متأسفانه در قانون اساسی فعلی چنین مقرراتی دیده نمی‌شود. (محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، ص ۳۳۶)

۲-۳. مصونیت از تعقیب کیفری

مصونیت از تعقیب کیفری در حقیقت مکمل مصونیت قبلی (شغلی) است و به طور خلاصه عبارت از این است که دارندگان پایه‌های قضایی را نمی‌توان بدون اجازه دادگاه عالی انتظامی قضات و قبل از سلب مصونیت قضایی تحت تعقیب کیفری قرارداد. این مصونیت در ماده ۴۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری به شرح زیر پیش‌بینی شده است: «هرگاه در اثنای رسیدگی کشف شود، کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات آن را مقرون به دلایل و قراینی ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رأی نهایی مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی تقاضا می‌نماید و دادگاه پس از رسیدگی به دلایل، قرار مقتضی صادر خواهد نمود و در صورت براءت، ایام تعلیق جزء مدت خدمت محسوب و مقرری آن به کارمند داده خواهد شد.»

اخذ اجازه از دادگاه عالی انتظامی قضات جهت تعقیب کیفری قضات به منظور حفظ شئون قضایی و ارج نهادن به مقام قضا است. این روش برای صیانت استقلال قضات و تأمین آزادی آنان در تصمیم‌گیریهای قضایی، ضرورت کامل دارد.

متن ماده ناقص و نارسا است و به بازنگری کلی نیازمند می‌باشد، اما به هر حال در عمل مصونیت قضات از تعقیب کیفری را تأمین می‌کند. مناسب است در این باره قوانین پیشرفته‌تری تصویب شود. (محمود آخوندی همان، ص ۳۳۷)

۴. از طریق رعایت آداب قضا

از جمله عواملی که آزادی و استقلال قضایی را به خصوص نسبت به اصحاب دعوا تأمین می‌کند رعایت آداب قضا از سوی قضات محترم است. اگر قضات به هنگام قضاوت این آداب و وظایف را مراعات نمایند از آلودگی به ظلم و ستم سالم مانده و به انصاف و حق و عدل نزدیک می‌شوند. و در نتیجه آزادی قضایی خود به خود تأمین خواهد شد.

فقه‌های اسلام در کتابهای خود برای قضات و تشکیل دادگاه‌ها آداب و تشریفات ذکر کرده‌اند.

مرحوم محقق در کتاب شرایع الاسلام در کتاب «قضا» در باب آداب قضا می‌نویسد:

آداب قضا بر دو قسم است: مستحب و مکروه.

اول مستحبات: آدابی که فعلش رجحان دارد.

۱. قاضی برای اینکه کاملاً از اوضاع محل خدمت خود اطلاع داشته باشد، از اهل شهر، فردی مورد اعتماد را پیدا می‌کند و آنچه را که در امور شهر می‌خواهد بداند از او سؤال نماید.
۲. برای اینکه ارباب رجوع به او دسترسی بیشتر داشته باشند باید مکانی در وسط شهر برگزیند.
۳. مکانی که برای قضاوت و دادرسی می‌نشیند باید در محل آشکار باشد، مثل میدان یا هر فضای باز تا دسترسی به او آسان گردد.
۴. فقها و علما را جهت مشاوره به دادگاه دعوت نموده تا آنکه در مسائل پیچیده قضا و دادرسی با آنان مشورت نماید، از این جهت به هنگام صدور حکم باید علما در محضر قاضی باشند، تا از او رفع اشتباه نمایند.
۵. وقتی یکی از طرفین دعوا از حدود شرع تجاوز کند، قاضی او را با رفق و مدارا به خطا و اشتباه خود متوجه می‌سازد.

دوم مکروهات: آدابی که فعل آنها برای قاضی مکروه است.

۱. برای دادگاه دربان و حاجب قرار دهد.
 ۲. در حال غضب به امور قضایی رسیدگی کند.
 ۳. مکروه است با هر حالتی که مثل غضب انسان را به خود مشغول می‌سازد، داوری نمایند، مانند: گرسنگی، حزن، تشنگی، شادی، رنج و به هنگام فشار بول و غایطه و یا خواب.
 ۴. هنگام قضا پیش از حد خود را عبوس جلوه داده و خود را گرفته نشان دهد، تا آنکه متخاصمان در دادگاه نتوانند سخن بگویند. و نیز بسیار گشاده روی یعنی آنقدر ملایم و متبسم باشد که مراجعه کنندگان در محضر او جری شوند.
- سپس مرحوم محقق، مسائلی را ذکر کرده، حاکی از آن است که در دادرسی باید دقت بیشتری شود از جمله می‌گوید:

۱. هرگاه قاضی به مترجم نیاز داشته باشد باید از دو مترجم عادل استفاده کند.

۲. قاضی اگر احتیاج به دبیر و نویسنده داشته باشد باید نویسنده بالغ، عاقل، مسلمان، عادل و آگاه باشد تا مطمئن شود که فریب نمی‌خورد و اگر فقیه باشد چه بهتر. (محقق حلی، شرایع الاسلام، کتاب قضا)

د) آزادی قضایی در پرتو حاکمیت ظوابط و رسیدگی عادلانه

به طور کلی فقهای کرام روی آزادی قضایی، صیانت قوه قضائیه و اجرای عدالت زیاد تأکید می‌کنند: ۱. از جمله امام خمینی رحمته الله علیه به خاطر که مرجعیت دینی و حاکمیت ولایی امت اسلامی را عهده‌دار بودند لذا ایشان روی اجرای حق و عدالت و عدم تضییع حقوق انسانها و لو یک آدم مجرم درجه اول زیاد تأکید می‌کردند و ایشان در این باره می‌فرماید:

هر قضاوتی پیش شما بیاید، به طور حق، به طور عدالت، بدون نظر به اینکه این آدم چه است و آن آدم چیست، حتی یک مجرم درجه اول وقتی که آمد روی حق نظر بکنید، این سابقه‌اش چه جوری است این را نظر نگیرید، روی حق و عدالت به آن نظر بکنید و حکمی که صادر می‌کنید یک حکم عادلانه باشد، که در محضر حق تعالی که وارد می‌شوید مورد اشکال نباشید و رو سفید باشید. (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۷)

۲. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اجرای عدالت را وظیفه اصلی دستگاه قضا می‌داند، می‌فرماید: وظیفه‌ی اساسی دستگاه قضایی چیست؟ عبارت است از دفاع شجاعانه و قدرتمندانه از عدالت. بنا بر دیدگاه الهی، در مجموع آفرینش، عدالت یک ریشه‌ی تکوینی و طبیعی دارد. چه مرجعی باید این عدالت را تضمین کند؟ قوه‌ی قضاییه. چه مراکزی باید آن را اجرا کنند؟ همه‌ی دستگاهها. پس دفاع شجاعانه و قدرتمندانه از عدالت در جامعه، وظیفه‌ی قوه‌ی قضاییه است. (علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۴/۷، ر.ک.)

<http://www.basirat.ir>

یا همین‌طور می‌فرماید:

این، [عدل و قسط] در حرکت و دعوت انبیا، شاید اصلیت‌ترین امر مربوط به زندگی مردم باشد درعین حال، آنچه که مربوط به اداره‌ی زندگی مردم می‌شود، هیچ چیزی به قدر عدل و قسط - نه در قرآن و نه در حدیث - مورد توجه قرار نگرفته است. البته، رفاه زندگی مردم و تأمین امنیت که یکی از لوازم زندگی آنهاست، وجود دارد؛ اما

تکیه‌یی که روی عدل شده - که قیام همه‌ی امور بر قیام عدل می‌باشد - روی هیچ چیز دیگر نشده است. (بیانات، ۱۳۶۸/۶/۲۰، ر.ک. همان).

هـ) آزادی قضایی در پرتو نادیده گرفتن روابط

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه به خاطر اهمیتی که برای آزادی قضایی قائل است تنها به بیان حاکمیت ضوابط اکتفا نکرده بلکه نادیده نگاشتن روابط را هم صریحاً تذکر می‌دهد. و قاطعانه اعلام می‌کند که روابط در برابر ضوابط محکوم است و قاضی نباید تحت تأثیر کسی باشد قاضی آزاد است باید در محیط آزاد عمل کند و به توصیه و سفارش هیچ کس نباید عمل کند که موجب تضییع حقی بشود، لذا می‌فرماید:

کسی که مجرم است باید به جزای خودش برسد و توصیه از احدی قبول نباید بشود. من این را کراراً گفته‌ام، اگر از من توصیه برای کسی آمد، از دفتر من برای کسی توصیه آمد از کسانی که به من مربوطند توصیه آمد بزنید به دیوار! قاضی نباید تحت تأثیر کسی باشد قاضی آزاد است و باید در محیط آزاد عمل بکند، توصیه‌ها را هیچ به آن اعتنا نکنید اگر یک وقت توصیه به حق است که خوب، آن وقت شما البته باید توصیه به حق را رسیدگی بکنید، بر فرض که توصیه هم نشود باید رسیدگی بکنید. اگر خدای نخواسته یک توصیه‌ای است که ناحق است هیچ نباید به آن اعتنا کرد در هر صورت قاضی مستقل است و خودش باید نظر بدهد، لکن خدا را شاهد ببینید، این قلمی که دست می‌گیرید قلمی است که ممکن است که آبروی یک مسلمی را از بین ببرد، و ممکن است احقاق حقی بکند و همانطور در همه‌ی امور باید خدای تبارک و تعالی را ناظر و حاضر ببینید. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۷۲)

همینطور امام خمینی رحمته الله علیه این نادیده گرفتن روابط را با شهادت تمام نسبت به خودش هم به اجرا گذاشته و هیچ‌گاه حاضر نبودند حق و عدالت را فدای مصلحت‌های شخصی بکنند، در جای دیگر با قاطعیت تمام اعلام می‌کنند می‌فرمایند:

من برای چندمین بار اعلام می‌کنم که هر گروه و شخص - اگر چه از بستگان و اقربای اینجانب باشند - خود مسئول اعمال و اقوال خود هستند و اگر خدای نخواسته تخلف از احکام اسلام کردند دستگاه قضایی موظف است آنان را مورد تعقیب قرار دهند و هر کس

و هر دستگاه چه قضات شرع و چه دادگاه‌ها و چه غیر اینها، هر کس تعدیات خود را به اسم من یا به انتساب به من اجرا کنند مجرم و مفتری است. (صحیفه امام، ج ۱۴/۲۲۱)

در واقع این رفتار و سیره حضرت امام خمینی علیه السلام متخذ از سیره امام المتقین حضرت امام علی علیه السلام امام و رهبر مسلمانان و بزرگترین حاکم امت اسلامی است که بر آزادی و استقلال قضایی جامعه عمل پوشانند، تا جایی که در اثر این رفتار اسلامی قاضی را از محاکمه، حاکم مسلمانان با یکی از رعیتها در یک محکمه ممکن ساخت. نمونه عملی آن، جریان و قضیه یهودی با امام علی علیه السلام است. مورخان می‌نویسند: امام علی علیه السلام زره جنگی خود را پیش یک مرد مسیحی یافت او را به نزد شریح که قاضی خود او بود، آورد تا مثل یک فرد عادی به محاکمه بپردازد، امام علی علیه السلام به قاضی خود گفت: این زره مال من است و من آن را نه به کسی فروخته‌ام و نه هبه کردم «شریح» از مرد مسیحی پرسید: درباره آنچه که امام علی علیه السلام می‌گوید چه می‌گویی؟ مسیحی گفت:

این زره مال من است و البته امیر مؤمنان هم پیش من دروغگو نیست. شریح از امام علی علیه السلام پرسید که آیا شاهد داری؟ امام علی علیه السلام گفت: نه این بود که قاضی به نفع مرد نصرانی رأی داد و مرد نصرانی زره را برداشت و به راه افتاد و امام علی علیه السلام همچنان به او می‌نگریست ولی مرد مسیحی چند گامی پیش نرفته بود که برگشت و گفت تصدیق می‌کنم که این احکام، احکام پیامبران است... امیر مؤمنان مرا پیش قاضی خود می‌برد تا محاکمه شویم و قاضی هم علیه وی حکم صادر می‌کند [و او با آغوش باز می‌پذیرد] من شهادت می‌دهم که خدایی جز پروردگار جهان نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و بنده او است، این زره به خدا مال تو است ای امیر مؤمنان من موقعی که شما از جنگ صفین برمی‌گشتید پشت سر سپاه شما آمدم و آن را از روی شتر شما برداشتم امام علی علیه السلام فرمود: اکنون که تو اسلام آوردی من آن را به تو بخشیدم. (بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۶- صوت العدالة، علی و حقوق الانسان، ص ۸۷-۸۸، ر.ک. جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۴۸)

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد معلوم می‌گردد که فقها نسبت به مسأله تأمین استقلال و آزادی قضایی

توجه خاصی دارند زیرا که سعادت و سلامت جامعه و برقراری امنیت، عدالت، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم، به استقلال قوه قضاییه و کیفیت اجرای آن بستگی دارد و به وسیله قضا و رسیدگی به دعاوی مردم توازن اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود. قضا و داوری رابطه مستقیمی با عدالت دارد اگر در یک جامعه رسیدگی به شکایات به صورت کامل انجام گیرد عدالت بر آن جامعه حکمفرما می‌گردد و مردم از لحاظ جان، مال و آبرو، امنیت پیدا می‌کنند و روابط دولت و ملت صمیمانه شده و پایه‌های دولت هم مستحکم می‌گردد. برعکس اگر در جامعه‌ای قضا و رسیدگی بر دعاوی مردم مورد توجه قرار نگیرد، عدالت از آن رخت برمی‌بندد و هرج و مرج و فساد آن جامعه را فرا می‌گیرد و در نتیجه موقعیت دولت از بین می‌رود.

و همین‌طور گفته شد، آزادی قضایی عبارت است از: آزادی قاضی، متهم و شاکی نسبت به رفتار و گفتار مربوط به امور قضایی‌شان. بدین معنی که قاضی در امر قضاوت و صدور حکم از هیچ ناحیه‌ای تحت فشار و تهدید نباشد و متهم نیز در اعمال حقوق قضایی خود آزاد باشد، از قبیل: حق داشتن وکیل مدافع، امکان انتخاب وکیل تسخیری، علنی بودن دادرسی‌ها، شرکت هیأت منصفه در جرایم مطبوعاتی و سیاسی، نظارت دیوان عالی کشور بر حسن اجرای قوانین، قابل تجدید نظر بودن بعضی از احکام، قابل واخواهی بودن احکام غیابی، تفهیم اتهام و تذکر اینکه متهم مواظب اظهارات خود باشد، ممنوعیت دو بار مجازات به خاطر یک عمل، تعبیر و تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم، حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، آزادی کامل در طرح دعاوی، اصل برائت و غیره.

همین‌طور شاکی در اعمال حقوق قضایی خود آزادی داشته باشد، از قبیل اینکه: تعقیب جرایم قابل گذشت منوط به شکایات متضرر از جرم باشد و گذشت او سبب موقوفی تعقیب گردد، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت از کیفیات مخففه به شمار آید، پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی از شرایط اعطای آزادی مشروط: قرار تعلیق تعقیب و صدور حکم مجازات تعلیقی شناخته شود، شاکی خصوصی باید بتواند ضرر و زیان خود را مورد مطالبه قرار دهد و حق اعتراض نسبت به قرارهای موقوفی تعقیب، منع تعقیب و حکم برائت را داشته.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

آخوندی، محمود، آیین داد رسی کیفری، (جلد چهارم)، اندیشه ها، ناشر: انتشارات اشراق (دانشگاه قم) چاپ دوم، فروردین ۱۳۸۱

خامنه‌ای، علی، بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳، ر.ک. <http://www.basirat.ir>

خامنه‌ای، علی، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۷، ر.ک. <http://www.basirat.ir>

خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا

_____، صحیفه امام، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۸ و نرم افزار صحیفه امام

_____، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۶۱ و ۱۳۶۵

خویی، سید ابوالقاسیم، مبانی تکمله المنهاج، النجف الاشرف: المطبعة آداب، بی تا
سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه و نگارش داود الهامی، موسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا علیه السلام پاییز ۱۳۷۰

علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۴/۷، ر.ک. <http://www.yjc.ir>

علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳، <http://www.leader.ir>

علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۴/۵، <http://www.basirat.ir>

فریدونی، محمدحسین مشایخی، نظرات سیاسی در نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه، چاپ دوم ۱۳۷۷

قانون اساسی، ج.۱. ایران، (مصوب ۱۳۶۸)، نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، ۱۴۰۴ هجری - قمری، بیروت: دار احیاء تراث العربی و نیز دار الاضواء، ۱۴۱۳ قمری
محقق حلّی، ابو القاسیم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، بیروت: دار الاضواء، الطبعة الثانية ۱۴۰۳ هجری

نائینی، محمد حسین، منه الطالب فی حاشیه المکاسب، تقریر شیخ موسی النجفی
الخوانساری، چاپ سنگی، قم: مکتبه محمدیه، ۱۳۷۳.ق.